

تشکل های کارگری و زندان

تشکل های کارگری و سرکوب رژیم های سرمایه داری شاهنشاهی و جمهوری اسلامی در ایران

ابتدا می خواستم مقاله ای در زمینه کارگران زندانی بنویسم . بعد متوجه شدم که در زندان های نظام های دیکتاتوری تمام منتقدین و مخالفین اعم از کارگر ، دانشجو ، معلم ، زنان ، جوانان ، پیرمردان ، اقلیت های مذهبی ، ملی و همه اقشار جامعه ، زندانی ، شکنجه و اعدام می گردند . دیکتاتورها در رابطه با سرکوب تفاوتی بین این افراد قائل نمی شوند . لذا در این مقاله فاز های زیر از تاریخ جنبش کارگری به اختصار بررسی می شود.

۱- از زمان پیدایش تشکل های کارگری در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا کودتای رضاخان (۱۲۹۹) .

۲- از کودتای رضاخان تا برکناری وی در سال ۱۳۲۰ و به روی کار آمدن محمد رضا پهلوی .

۳- از دوره شکوفایی تشکل های کارگری (۱۳۲۰) تا کودتای دربار پهلوی و دولت های آمریکا و انگلیس سال ۱۳۳۲ .

۴- از برقراری دیکتاتوری محمد رضا شاه تا انقلاب ۱۳۵۷ .

۵- دوره شکوفایی و رشد شوراهای کارگری در سال های اول انقلاب .

۶- دوره سرکوب شوراهای کارگری تا امروز در زمان حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی .

در ایران در زمان سلسله قاجار اصناف گوناگونی وجود داشته اند ، کارگاه ها و مؤسساتی به وجود آمده اند که کارگران را زیر یک سقف برده و آنها جمعی کار می کرده اند . مشکلات کاری بخصوص در کارگاه های کوچک به حالت ریش سفیدی حل و فصل می شده است . در کارگاه ها و مؤسسات بزرگ به ندرت کارگران از اعتصاب برای حل مشکلاتشان استفاده می کرده اند . تاریخ نشان می دهد که هرچه به انقلاب مشروطه نزدیک می شده اند کارگران بیشتر برای بدست آوردن حقوق و مزایای خود به اعتراض و اعتصاب روی می آورده اند . و در همین رابطه در اندیشه ایجاد تشکل کارگری بوده اند . تا آنجا که در کتابهای موجود مکتوب شده در آستانه مشروطه است که نخستین اتحادیه کارگران ایران بدست کارگران چاپ در سال ۱۲۸۵ تاسیس می گردد . محمد پروانه از زحمت کشان صنف چاپ به همراه گروهی از دیگر کارگران این حرفه در تداوم مبارزات شان برای اضافه دست مزد و اضافه کاری و امنیت شغلی ، وقتی از شکایات شان به مقامات نتیجه ای نمی گیرند ، دور هم جمع شده و اتحادیه کارگران چاپ را به وجود می آورند . این اتحادیه نه تنها به دنبال خواست های صنفی کارگران بوده بلکه در مسائل سیاسی روز هم دخالت فعال داشته است . مثلا در سال ۱۳۸۶ وقتی روز نامه " جبهه المیتین " توقیف شد ، روزنامه نگاران ، کتاب داران و بقیه دست اندر کاران این روزنامه اعتصاب کرده اند و اتحادیه کارگران چاپ در این اعتصاب شرکت کرده است ، تقریبا اعتصاب یک هفته طول کشیده تا روزنامه رفع توقیف شده است . (جلیل محمودی و ناصر سعیدی = شوق یک خیز بلند ، تهران ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۱۷)

اتحادیه کارگران چاپ در سال ۱۲۸۹ شمسی نشریه ای هم بنام " اتفاق کارگران " منتشر نمود که خواستها و نیاز های کارگران را در زمینه رفاهی ، شرایط کار ، ساعات کار و دست مزد ها منعکس میکرد . در دهه ۱۲۹۰ در کنار اتحادیه کارکنان چاپ ، کارگران رشته های مختلف صنعتی و غیر صنعتی تشکل های ویژه خود را برای احقاق حقوق شان از کارفرما به وجود می آورند . از آن جمله اند ، اتحادیه های نانوایان ، کفاشان ، دلاکان ، داروسازان ، کارگران ساختمان ، خیاطان ، نساجان ، کارکنان شهرداری ، اتحادیه کارکنان پست و تلگراف و اتحادیه معلمان که در ایران حضور فعال داشته اند .

تشکیل این اتحادیه ها در آن زمان با توجه به عدم تجربه کافی در زمینه تشکل کارگری و از آن مهم تر مخالفت هایی که از طرف دولت ، کارفرماها ، سفارت انگلیس و سایر شخصیت ها می شود کارساده ای نبوده است . یک نمونه از مخالفت ها با تشکل کارگری در روزنامه رعد را در پائین می خوانید .

یکی از رهبران کارگری در آن دوره سید محمد دهگان نام داشت . بخش بزرگی از زندگی دهگان در قفقاز گذشت تا اینکه در سال ۱۲۹۰ به ایران بازگشت . دو سال ریاست کمپانی زینگر را به عهده داشت در سال ۱۲۹۸ مدتی به عنوان مدیر روزنامه رعد که مدیر مسئول آن سید ضیاءالدین بود کار کرد . در این روزنامه به اتفاق همکارانش اتحادیه ای بر پا کرد ، اما تشکیل اتحادیه با مخالفت مدیر

مسئول روزنامه رعد روبرو گشت . شکرالله مانی در این باره از زبان سید ضیاءالدین نقل می کند " دیروز در سفارت انگلیس مسیو هاروارد رئیس شعبه سیاسی سفارت ، سخت از من گله کرد و گفت : در مطبعه شما اتحادیه ی کارگران چاپخانه تشکیل شده است بدیهی است همان طور که من به حیثیت کارکنان روزنامه علاقه مند می باشم توقع دارم آقایان راضی نشوند آبروی من در سفارت خانه بریزد . عجلالتا تمنا دارم هریک از آقایان به همکاری من مایلند دست از کار اتحادیه و اجتماعات مشابه آن بردارند . وهریک مایل به ادامه خدمت نباشند مختارند " . در نتیجه دهگان از شغلش صرف نظر کرد و خودش را بیکار کرد تا بتواند به مبارزاتش ادامه دهد . همانجا ص ۱۳۶

علی رغم مخالفت ها و موانعی که بر سر راه ایجاد تشکل ها از طرف کارفرماها و سایر مخالفین بوجود می آید کارگران واحد های مختلف از تجارب و کمک به یکدیگر استفاده کرده و اتحادیه های خود را به وجود می آورند .

این تشکل ها در جهت همگرایی و همکاری گام های موثری برداشته بطوری که در دی ماه سال ۱۳۰۰ به مدیریت سید محمد دهگان از پیوند این اتحادیه ها " شورای مرکزی اتحادیه های کارگران تهران " تاسیس می شود . شورای مرکزی هر شب جمعه در اداره روزنامه حقیقت و بعد در منازل جلسه برگزار میکرده از هر اتحادیه ۳ نماینده به شورای مرکزی می آمده اند . که نمایندگان در شورای مرکزی به ۳۰ تا ۴۰ نفر می رسیده اند .

کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹

در سوم اسفند ۱۲۹۹ سیدضیاءالدین طباطبایی با همکاری رضاخان میر پنج و بقیه هم فکرا نظامی و غیر نظامی شان با یک کودتا ، قدرت سیاسی را به دست می گیرند ، از احمد شاه می خواهند که سید ضیاء را بعنوان نخست وزیر و رضا خان را بعنوان سردار سپه منصوب کند ، شاه می پذیرد ، این کودتا زمینه ساز آغاز دوره سیاه دیکتاتوری در بار پهلوی می گردد . از این تاریخ رضا خان در مقام فرمانده ارتش پایه های خود را مستحکم می نماید .

از خرداد ماه تا مهر ماه ۱۳۰۲ مشیرالدوله نخست وزیر و رضاخان سردار سپه بوده اند و در همین زمان است که تشکل های کارگری و اتحادیه ها را نه تنها ممنوع اعلام می کنند بلکه افراد فعال را دستگیر و به زندان می اندازند . بطوری که شورای مرکزی اتحادیه ها دیگر نمی تواند مثل گذشته جلساتش را برگزار کند .

از آبان ۱۳۰۲ که رضاخان نخست وزیر می شود بازهم بگیر و به بند کارگران و آزادی خواهان شدت بیشتری به خود می گیرد ، بطور خلاصه هرچه نظم رضاخانی قدرت بیشتری می گیرد و نظام دیکتاتوری شاهنشاهی به کمک و حمایت دولت انگلیس و برخی از شخصیت هایی که منافعشان در نظام دیکتاتوری دربارشاهنشاهی تامین می شود تثبیت تر می گردد ، تعقیب و دستگیری و زندان و شکنجه برای اعضای تشکل های کارگران بیشتر می شود .

رضاخان در سه شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۰۴ رسماً شاه می شود و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ تاج گذاری می کند . در تمام این مراحل ، تشکل های کارگری ، احزاب ، سازمان ها ، و سایر گروه ها و نهاد های مدنی سرکوب می شوند .

انقلاب مشروطه نشان داد که جامعه ایران نیاز به تغییر و تحول اساسی و بنیادی دارد یعنی روابط زمینداری و ارباب و رعیتی باید جایش را به روابط سرمایه داری ، که در جامعه تازه در حال پا گرفتن بود بسپارد .

در این دوره جامعه ایران به آن حد از رشد و قابلیت رسیده که روابط تولیدی سرمایه داری را طلب می کند ، و بورژوازی متعارف و معقول برای رشد خود نیاز به کارگر ماهر و نسبتاً باسواد دارد ، هم چنین برای رشد و شکوفائی جامعه در زمینه فرهنگی ، سیاسی و.... نیاز به دموکراسی و آزادی ضرورت پیدا می کند ، و نیاز است که نهاد های مدنی خاص آن و همراه با رشد جامعه سرمایه داری به وجود بیاید . اما در آن سالها انگلستان و متحدینش و در بار پهلوی برای غارت و چپاول منابع ملی ایران و دست رنج کارگران نظام دیکتاتوری که در رأس آن رضاخان قرار میگیرد مانع بزرگی برای رشد آگاهی سیاسی و نهاد های مدنی و تشکل های کارگری و رشد و شکوفائی سایر نهاد های مردمی و رشد مدرنیسم در زمینه آزادی و دموکراسی بوده اند .

رضا شاه بسیار علاقمند بود که جامعه ایران بلحاظ صنعتی رشد کند ، کارخانه های متعدد در ایران تاسیس شود و شهرنشینی گسترش پیدا کند . اما نمیدانست که با تفکر دوران زمین داری و شیوه رفتار ارباب و رعیتی و با دیسپلین و فرمان های سخت و بی چون چرای ارتشی و پایمال کردن حقوق و مزایای زحمتکشان و حتی نقض مالکیت های خصوصی نظام بورژوازی نمی توان به نیازهای جامعه پاسخ داد و جامعه را به پیش برد .

تا پیش از تثبیت حکومت رضاشاه مراسم کارگری روز اول ماه مه با اینکه با مخالفت روبرو بوده است ، هر سال علنی برگزار می شده است اما از سال ۱۳۰۴ به بعد با تهدید دولت روبرو می شود و در سال ۱۳۰۶ یک روز پس از مراسم عده ای از کارگران دستگیر و زندانی

می شوند. از آنجا که کارگران چاپ نقش مؤثری در برگزاری مراسم اول ماه مه داشته اند ابتدا به سراغ کارگران چاپ رفته و چند نفر از نمایندگان آنها از جمله باقر نوایی، محمد پروانه، مهدی کیمرام، حسن بهرام قلی، سلمان قالب تراش، حسین سیاسی، علی آقا کاوه، علی اصغر کاوه، زرونی، اوهان، ماطوس و عده دیگری را دستگیر و زندانی می کنند.

سال ۱۳۰۷ مراسم اول ماه مه در یکی از باغ های امامیه برگزار شد جعفر اردوخانی سخنران مراسم بود. با اینکه این مراسم مخفی برگزار شد اما روز بعد از مراسم پلیس اطلاع پیدا کرده و تعداد ۵۰ نفر را دستگیر و روانه زندان می نماید. این آخرین مراسم اول ماه مه بود که در دوران رضاخان برگزار شده.

کشمکش بین سرکوب گران و تشکل های کارگری ادامه پیدامی کند، در سال ۱۳۰۹ پلیس به اتحادیه کارگران قالی باف در خراسان یورش برده و تعداد زیادی را دستگیر و زندانی می کند و یکی از فعالین کارگری که در سازماندهی اتحادیه کارگران خراسان نقش مؤثری داشته است در زندان به قتل میرسد. در هر شهری که کارگران از بدو مشروطه توانسته بودند تشکل به وجود بیاورند در دوران رضاخان با همه ایستادگی و مقاومت شان یا سرکوب و به زندان افتادند و یا مخفی شدند.

برای اینکه به این سرکوب ها جنبه قانونی بدهند مجلس فرمایشی در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ لایحه مجازات اقدام علیه امنیت کشور و ممنوعیت مرام اشتراکی و ضدیت با سلطنت مشروطه را به تصویب می رساند. هدف از تصویب این قانون فشار و سرکوب مخالفین نظام دیکتاتوری از جمله ممانعت از ایجاد تشکل های کارگران و مبارزات آنها برای احقاق حق شان در سراسر کشور بوده است. کارگران به اجبار به عقب نشینی وادار شدند. اما از مبارزه دست برنداشته و به ایجاد تشکل های مخفی روی آوردند. بطور مثال کارگران راه آهن مازندران اتحادیه مخفی به وجود می آورند و در سال ۱۳۱۱ دست به اعتصاب می زنند. پلیس همه آن ها را دستگیر و زندانی می کند تا اعتصاب به پایان می رسد. اما دوباره کارگران دست به تشکیل اتحادیه می زنند این بار علاوه بر راه آهن مازندران در معادن و کارخانه های مازندران فعالیت داشته اند، تا اینکه در سال ۱۳۱۶ شهربانی این تشکل های مخفی را شناسایی و تعداد ۱۷ نفر از سازمان دهندگان آن ها را دستگیر و زندانی می کند که تا سال ۱۳۲۰ در زندان بوده اند.

مبارزه و مقاومت کارگران در مقابل سرکوب ها آنقدر چشم گیر است که دولت در مخالفت با ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۱۵ بجای قانون کار و رسمیت دادن به تشکل های کارگری "نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی" را به تصویب میرساند که ضمن رعایت حد اقل بهداشت هر نوع تشکل کارگری را اخلال و توطئه تلقی می نماید.

در رابطه با احزاب نیز چنین بوده است، در زیر سرنیزه نظام دیکتاتوری رضاخانی احزاب و سازمانهای کمونیستی بوجود می آمده اند، از جمله گروه ارانی که ماهنامه ای به نام "دنیای هم منتشر می کرده است، اعضای رهبری این گروه عبارت بوده اند از دکتر تقی ارانی، عبدالصمد کامبخش، دکتر محمد بهرامی، محمد شورشیان، علی صادق پور که در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ با سایر اعضا این گروه دستگیر و زندانی می شوند. این گروه در آبان ۱۳۱۷ محاکمه می شوند، بجز دکتر ارانی که در زندان به قتل میرسد بقیه تا سال ۱۳۲۰ در زندان بوده اند.

سال ۱۳۲۰ بر کناری رضاشاه

در سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای انگلیسی و شوروی به بهانه اینکه رضاخان در جنگ جهانی طرف آلمان هیتلری است ایران را اشغال کردند و رضاخان را در روز ۲۵ شهریور به تبعید فرستادند، و محمد رضا پهلوی ولیعهد ۲۲ ساله در مجلس سوگند وفاداری به قانون اساسی را بجای آورد و فرمان عفو عمومی زندانیان را صادر کرد. در نتیجه دوره جدیدی از آزادی و تجربه دموکراسی آغاز شد.

کارگران که در تمام دوره ۲۰ ساله ستم رضا خانی مجبور به مبارزه مخفی بودند اینک به استقبال شرایط جدید رفته و در شرایط جدید به مبارزه ادامه داده و تشکل های مستقل خود را به وجود می آورند. اما در شرایط جدید کارگران علاوه بر ممانعت های کارفرما و دولت با معضل دیگری روبرو می شوند. قبل از اینکه کارگران تشکل های مستقل خودشان را به وجود بیاورند حزب توده ایران برای کارگران تشکل کارگری به نام "شورای مرکزی" به وجود می آورد که به ظاهر مستقل اما در باطن وابسته به حزب توده هستند. خود حزب توده نیز در وابستگی به اتحاد جماهیر شوروی به وجود می آید. این وابستگی ها متأسفانه باعث شده است که در برخی جاها و برخی حرکت های کارگری مصالح و منافع شوروی و حزب توده بر مسائل صنفی و سیاسی کارگران ایران ارجحیت پیدا کند.

شورای مرکزی بزرگترین تشکلی است که در سال ۱۳۲۰ با کمک حزب توده تاسیس می شود و بلافاصله در شهر های آستان های آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان که تحت اشغال ارتش شوروی می باشد اتحادیه های وابسته به شورای مرکزی در کارخانجات مختلف به وجود می آیند.

در کنار این تشکل های وابسته اما تشکل های مستقل کارگران در کارگاه ها و کارخانه های ایران به دست خود کارگران و هم چنین بدست روشنفکران و فعالین کارگری بوجود می آمدند . هم زمان با شورای مرکزی تشکلی بنام " هیأت مرکزی " بوسیله یوسف افتخاری ، خلیل انقلاب و عزت الله عتیقه چی تا سیس می شود . این دو تشکل کارگری در رابطه با فعالیت های کارگری توافق ندارند بخصوص در مورد اعتصاب در واحد های صنایع نظامی که حزب توده مخالفت می کند ، چرا که ارتش شوروی در ایران نیاز به تسلیحات نظامی دارد ، اما پس از تقریباً دو سال در هیات مرکزی انشعاب می شود . بخشی با یوسف افتخاری مانده . اما بخش دیگرشان با شورای مرکزی ادغام شده تشکل جدیدی را در اردیبهشت ۱۳۲۳ به نام " شورای متحده مرکزی " بوجود می آورند . اتحادیه های دیگری نیز به شورای متحده مرکزی می پیوندند بطوری که تعداد اعضای آنرا بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر بیان کرده اند . این تشکل روزنامه ای هم به نام " ظفر " انتشار می داده است .

این درست است که با رفتن رضاخان نظم دیکتاتوری برداشته شده و آزادی و دموکراسی به جامعه باز گشته بود ، اما بجز رضاشاه بقیه صاحب منصبان ، زمین داران بزرگ ، کارخانه داران ، زور مندان در مشاغل مهم دولتی ، سران عشایر ، عمال رژیم استبدادی ، عمال دولت انگلیس و سر جای خودشان دست نخورده باقی مانده بودند . لذا کارگران در مبارزات شان ضمن امتیازاتی که بدست می آوردند در هر فرصتی از طرف کارفرماها مورد اجحاف ، تحقیر ، اذیت و آزار قرار میگرفتند و بدست نیروهای پلیس نیز سرکوب می شدند .

از امتیازاتی که کارگران بدست آوردند می توان از اتحادیه های کارگری در محیط های کاری و از ادغام اتحادیه ها تشکل بزرگ شورای مرکزی و هیات مرکزی و به دنبال آن شورای متحده مرکزی و همچنین قانون کار اردیبهشت ۱۳۲۵ و باز نگری آن در سال ۱۳۲۸ یاد کرد که علی رغم همه ضعف هایش آن تشکل کارگری به رسمیت شناخته شده و ساعت کار به ۸ ساعت در روز و ۲ روز تعطیل در هفته تقلیل پیدا می کند ، و تعطیل روز جمعه با حقوق و سایر مزایای دیگر می باشد که برای اولین بار به تصویب رسیده است . اما دولت و کارفرماها در اجرای آن سنگ اندازی می کردند ، و فشار و تعدی بر کارگران اعمال می نمودند . کارگران برای اجرای این قوانین مبارزات سختی را در محیط کار خود انجام می دادند .

یکی از باز رسان راه آهن یکی از کارگران باربر را کتک می زند ، همکاران این کارگر از این واقعه متاثر شده و به آن بازرس حمله کرده او را مضروب می نمایند ، در این میان ماموران انتظامی راه آهن به کارگران حمله می کنند . در این زدوخورده یک کارگر کشته و ۸ نفر دیگر زخمی شده اند . شورای متحده مرکزی بخاطر این واقعه یک روز اعلام اعتصاب می نماید ، و خواستار مجازات مسئولین کشتن و مضروب کردن کارگران و از جمله خسرو هدایت رئیس راه آهن می شود . از طرف دیگر نیروهای شهر بانی به کارگران اعتصابی حمله برده و ۱۳۰ نفر از کارگران را دستگیر و روانه زندان می نماید . در همین رابطه ۴۰۰ کارگر راه آهن اخراج می گردند .

در آبان ۱۳۲۵ در استان مازندران ۲۵ تن از کارگران که عضو شورای متحده مرکزی و در کارخانه های مختلف کار می کرده اند دستگیر و زندانی می شوند . در آذر ماه در این استان حکومت نظامی اعلام می گردد . در چالوس ارتش به کارخانه حریر بافی حمله کرده و ۳۰۰ تن از کارگران را دستگیر و روانه زندان می کنند تا محاکمه شوند ، جرم واهی این کارگران تهدید به قیام بوده است ، در معدن زغال سنگ زیرآب بین کارگران و نیروهای سرکوب گر درگیری رخ می دهد ، ۳ نفر از کارگران به جرم واهی تیر اندازی به طرف نظامیان و به حکم هیات نظامی در همان محل اعدام می شوند ، و بیش از ۱۰۰ کارگر این معدن را به تهران آورده ۴ نفر شان را به ۵ سال زندان انفرادی محکوم و ۷۰ نفرشان را به سایر نقاط کشور تبعید و تعدادی را از کار اخراج می نمایند .

این کشمکش ها و درگیری ها تا کودتای ۱۳۳۲ ادامه پیدا می کند ، در هر کارخانه ای که کارگران توانسته اند تشکلی منسجم و مستحکم در مقابل کارفرما به وجود بیاورند و توازن طبقاتی را در محیط کار به نفع خودشان به وجود بیاورند بهتر توانسته اند به خواسته هایشان برسند .

کودتای ۱۳۳۲ با توطئه دربار پهلوی و دولت های آمریکا و انگلیس

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که طراحان آن در بار پهلوی و دولت های انگلیس و آمریکا توسط بخشی از ارتش به رهبری سپهبد زاهدی و اراذل و اوباشی مثل شعبان بی مخ ها انجام گرفت و دولت مصدق سقوط کرد ، دوباره دوران سیاه دیکتاتوری محمدرضاشاه آغاز می شود . و هم چنان که رسم همه دیکتاتورها است ، مانند دوران رضاخانی سرکوب تشکل های کارگری و احزاب و سازمانهای کمونیستی و ملی و همه آزادی خواهان آغاز می گردد .

اگر در دوران رضا خان تشکل های کارگری از بیخ و بن برای رژیم قابل تحمل نبود و آن ها را ممنوع اعلام کرد ، اینک در آغاز دهه ۱۳۳۰ و بعد از کودتا ، سرکوب تشکل های کارگری و غیر قانونی کردن آنها و اجرای قوانین زمان رضاخان دیگر امکان پذیر نیست . چرا که در طول تاریخ گذشته نزدیک به ۵۰ سال از مشروطه یعنی سال ۱۳۳۲ جنبش کارگری همراه با احزاب و سازمان ها و تمام تارو بود جامعه و رشد و آگاهی نسبی که در کل جامع به وجود آمده است تشکل کارگری نهادی شناخته شده برای کل جامعه به لحاظ فرهنگ و سنت در جامعه پذیرفته شده است و این بار کارفرماها و دولت هم نیز در تجربه در یافته اند که مخالفت با آن دیگر امکان پذیر نیست لذا تشکل های کارگری برای بورژوازی ایران و دولت حامیش قابل تحمل می شود . اما چگونه تشکلی ؟ تشکلی توده ای ، کارگری از پائین که در درون هر کارخانه توسط نیرو و اراده خود کارگران و برای منافع صنفی و سیاسی کارگران و کلیه زحمتکشان بوجود می آید؟ ، یا تشکلی از بالا توسط وزارت کار و کارفرماها و با نظارت فرمانداری وبعدها ساواک و کاملاً در کنترل سرمایه و برای حفظ منافع و سود بیشتر سرمایه؟

روشن است که ایجاد دسته دوم تشکل ها در دستور کار دولت شاهنشاهی قرار می گیرد . و متأسفانه در درون طبقه کارگر ، معدود کارگرانی هم پیدا میشوند که منافع شخصی اشان را بر منافع طبقاتی شان ترجیح داده و یا بعلت عدم آگاهی به مسائل و منافع طبقاتی گول خورده و تن به تشکل های از بالا ساخته شده می دهند .

سالهای بعد از کودتا با تعقیب ، دستگیری ، زندان ، شکنجه و اعدام بسیاری از کارگران ، احزاب و روشنفکران هوادار طبقه کارگر و ملی گراها سپری شد . نظام سرکوب در بار پهلوی بار دیگر تسلط خود را بر سرتاسر ایران تحمیل کرد . طبقه کارگر مجبور به عقب نشینی شد . اما مبارزه و حق خواهی اش در درون محیط های کاری محدود اما بی وقعه ادامه پیدا کرد .

در تیر ماه سال ۱۳۳۸ شصت هزار تن از کارگران ، رانندگان و سایر کارکنان کوره پزخانه ها بخاطر ۷ ماه پرداخت نشدن حقوق و ۳۵ درصد اضافه حقوق اعتصاب کردند . ساواک به همراه شهربانی و ارتش به فشار و سرکوب همراه با مذاکره متوسل می شوند که در نهایت کارگران با ۲۰ درصد اضافه حقوق موافقت می کنند و به اعتصاب پایان می دهند . (حبیب لاجوردی ، اتحادیه های کارگری و خود کامگی در ایران ، ترجمه ضیاء صدقی تهران ۱۳۶۹ ص ۳۸۰ و ۳۸۱)

در سال ۱۳۴۰ ساواک ۹ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای چاپخانه های تهران را بدون هیچ اتهامی دستگیر و زندانی کرد و بعد از ۷ ماه آنها را آزاد کرد ، مقامات مربوطه در مورد دستگیری و آزادی این کارگران گفتند متأسفیم اشتباه کردیم . همانجا ص ۳۷۹ این مسئله نشان می دهد که ساواک چه مقدار بر کارگران واحد های صنعتی تسلط داشته ونگاهش به کارگران اینست که کارگر مجرم است مگر عکس اش ثابت شود . لذا کارگر را ابتدا بدون هیچ دلیلی دستگیر و به زندان می اندازد ، وقتی ثابت شد که مقصر نیست آزادش می کند .

بسیاری از کارگران به عدم اجرای قانون کار در محیط های کاری اعتراض می کردند ، اما بجای رسیدگی به شکایات کارگران ، آنها را مورد تعقیب و تحکم قرار داده و در نهایت جایشان در زندان بود .

از بعداز کودتا تا سال ۱۳۴۰ نزدیک به ۳۰ تشکل کارگری بشکل اتحادیه و سندیکا تاسیس می شود . در ششم بهمن ۱۳۴۰ فرمان انقلاب سفید از طرف شاه صادر می گردد و روند تشکل سازی در واحد های کارگری شدت پیدا کرده بطوری که در سال ۱۳۵۱ تعداد تشکل های کارگری به ۵۱۹ میرسد . اما هیچ کدام از این سندیکاها نمی خواهند و یا نمی توانند وظایفی را که در قبال اعضاء خود و دیگر کارگران دارند انجام دهند . برخی از نمایندگان این تشکل ها در اثر فشار ساواک یا از ساواک اطاعت می کنند و حتی به استخدام آن در می آیند . برخی از نمایندگان تحت فشار کارفرما منافع شخصی خودشان را بر منافع جمع ترجیح می دهند . برخی از نماینده ها که آلوده به رابطه با ساواک و منافع شخصی خود نیستند از ترس اخراج و زندان نمی توانند به مبارزه جدی پردازند . نمایندگانی هم که برای احقاق حقوق کارگران گام های جدی برداشته و بدون ترس در مقابل کارفرما سینه سپر کرده و خواهان اجرای قانون کار و بدست آوردن کمی رفاه برای کارگران هستند ، عاقبت سرو کارشان با ساواک و زندان و شکنجه می افتد و کارگرانی که به دفاع از نمایندگانشان به پا خواسته و برای آزادی نمایندگانشان از زندان تهدید به اعتصاب می کنند و یا در نهایت اعتصاب می کنند یا بدنبال نمایندگانشان به زندان می افتند و یا از کار اخراج می شوند و یا اگر خیلی شانس بیاورند تغییر شغل پیدا می کنند . و این رسم نظام های خودکامه سرمایه داری در ایران چه در رژیم های شاهنشاهی و چه در رژیم فعلی جمهوری اسلامی است .

ساواک برای کنترل همه جانبه بر واحدهای کارگری بخصوص بر واحدهای کلیدی مثل شرکت نفت دفتر های حفاظت برای کنترل بر کارگران و شناسایی کارگران مبارز ایجاد کرده است ، استخدام کارگران باید با موافقت دفتر حفاظت انجام گیرد و از روز استخدام رفتار و گفتار کارگران زیر ذره بین دفتر حفاظت قرار می گیرد ، چنانچه کارگری در شمال کشور به دلیل مبارزاتی که برای احقاق

حشش در یک واحد کارگری انجام داده که منجر به اخراجش شده باشد به ندرت در جنوب و شرق و غرب کشور می تواند کاری گیر بیاورد چراکه ساواک بوسیله دفترهای حفاظت خیلی سریع می تواند به سابقه این کارگر مبارز دسترسی پیدا کند . اما با همه این کنترل ها و سخت گیری ها طبقه کارگر در درون سندیکاهای کنترل شده و از بالا ساخته شده و در بیرون از سندیکا نیز به مبارزاتشان ادامه می دادند هر کارگری بستگی به توان و نیرو و هشیاری و تجربه ای که کسب کرده بود از حقوق اش دفاع می کرد . گاه موفق می شدند خود تشکلی مستقل به وجود بیاورند ، اما فعالیت و مبارزات این تشکل مستقل برای بدست آوردن حقوق کارگران بیش از سندیکای وابسته به کارفرما نبود چنانچه پایش را از گلیمی که کارفرما برایش تعیین کرده بود فراتر می گذاشت چماق ساواک بالای سرش قرار می گرفت . برخی از کارگران وقتی در مبارزاتشان موفق نمی شدند خواسته هایشان را به دست بیاورند به خرابکاری و ضرر زدن به کارفرما متوسل می شدند ، به یک نمونه آن اشاره می کنم . یکی از این اقدامات خرابکارانه در کارخانه جیب بوقوع پیوست ، که " مقداری دانه های جوشکاری را در چاه عمیق کارخانه انداختند ، تلمبه ۲۷ هزار دلاری آن را خراب کردند " ظاهرا خرابکاری مزبور با اعتراض دیرینه کارگران به غذای بدی که به سبب اشاعه بیماری روده می گردید ارتباط داشت (همانجا ص ۴۰۰ . و تعدادی از کارگران که از مبارزاتشان در محیط های کاری به نتیجه مطلوب نرسیدند همدوش با روشنفکران انقلابی به مبارزه ای روی آوردند که برای دفاع از خود و تبلیغ نظریاتشان از اسلحه استفاده کردند . جنبش مسلحانه تا سال ۱۳۵۷ که نظام شاهنشاهی ساقط شد ، ادامه پیدا کرد .

سال ۱۳۵۷ آغاز شکوفایی شوراهای کارگری

در جریان قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ یعنی چند ماه قبل از رفتن شاه از ایران ، کارگران آگاه در تداوم مبارزاتشان و بنا به خواسته های طبقاتی اشان در محیط های کاری خود فعالیت هایشان را تشدید کرده بودند . تشکل های مستقل در حال تشکیل شدن بودند و در کارگاه و کارخانه هایی که کارگران آگاه و باتجربه به مسائل طبقاتی حضور داشتند مجامع عمومی تشکیل می شد و در مورد خواسته های صنفی و سیاسی خودشان با یکدیگر مشورت می کردند ، و توانسته بودند در محیط کاری خود یک فضای نسبتا دموکراتیک به وجود بیاورند . همراه با پیشروی جنبش در شهر های مختلف ایران ، توازن طبقاتی به هم خورده بود در کارخانه ها دیگر از قدرت ساواک که به وسیله دفتر های حفاظت اعمال می شد روز بروز کاسته می شد . پیشروی کارگران در زمینه های صنفی و سیاسی و برای بوجود آوردن تشکل های مستقل باعث عقب نشینی ساواک و عوامل رژیم می شد و در اعتصاب سراسری در کشور ، کارگران نیز سهم خود را مانند بقیه اقشار جامعه ادا کردند ، بخصوص کارگران شرکت نفت با بستن شیرهای نفت آخرین ضربه را به رژیم وارد کردند . و باعث سقوط دیکتاتوری محمد رضا شاه پهلوی و نظام چند هزار ساله شاهنشاهی در ایران شدند .

هرچند بهار آزادی از قبل شروع شده بود ولی در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با همت کارگران و بقیه اقشار جامعه رسمیت پیدا کرد . و در تداوم به وجود آوردن تشکل ها که آنهم از قبل شروع شده بود ، دیگر در تمام کارگاه ها ، کارخانه ها ، ادارات ، محلات ، روستاها ، و در سطح جامعه زنان ، دانشجویان ، نویسندگان و... هرآنجا که امکان و ضرورت تشکل احساس می شد ، اقشار مختلف دست به ساختن تشکل های مستقل خود می زدند . احزاب و سازمان های کمونیستی ، و غیره تلاش میکردند به این تشکل ها کمک کنند و همچنین هواداران و سمپات های خودشان را سازماندهی نمایند ، درمیان سازمان ها و احزاب نوع تشکل مورد اختلاف بود یکی از تشکل شورایی دفاع می کرد دیگری از سندیکا . اما در شهرها و روستاهایی که مردم تشکل به وجود آوردند تمام شورایی بودند ، شعار سندیکا در همان مرحله شعار باقی ماند و تحقق پیدا نکرد . و در برخی از کارخانه ها به علت اینکه صاحب کارخانه فراری شده بود ، کارگران با تشکیل شورای کارگری خود اداره کارخانه را بدست گرفته و بر تولید و توزیع کنترل داشتند . در کارخانه هایی که صاحب کارخانه و یا مدیر سابق حضور داشتند و شورا هم تشکیل شده بود ، دیگر مثل گذشته فقط این صاحب و یا مدیریت کارخانه نبود که تصمیم می گرفت ، شورا به عنوان یک ارگان تصمیم گیرنده در تمام امور کارخانه نظر میداد و نظرش را به کمک کارگران به اجرا در می آورد .

از طرف دیگر به مرور زمان همراه با تثبیت رژیم مذهبی و سرمایه داری جمهوری اسلامی ، رژیم سعی می کرد در کارخانه ها ، ادارات و روستاها هواداران خود را سازماندهی کرده و شوراهای مستقل را یا وابسته به خود کند و یا منحل نماید ، اما با مقاومت کارگران روبرو می شد ، در نتیجه در کارخانه ها بین کارگران مبارز و مستقل ، اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای مخالف رژیم از یکطرف ، هواداران جمهوری اسلامی و مذهبی های وابسته به رژیم از طرف دیگر مبارزات سختی به وجود آمد . در سراسر جامعه این مبارزه و درگیری بین نیروهای انقلابی ، احزاب ، سازمانهای کمونیستی ، طرفداران طبقه کارگر ، زنان از یکطرف و نیروهای ارتجاع جمهوری اسلامی از

طرف دیگر تا به آنجا پیش رفت که به درگیری مسلحانه رسید. در این میان خیانت رهبران حزب توده و سازمان اکثریت که به هم رزمان سابق خود پشت کرده و متحد رژیم جمهوری اسلامی شدند، کمک بزرگی بود که به نیروهای سرکوبگر رژیم در شناسایی و معرفی برخی از مبارزین انجام گرفت.

دوره سرکوب شوراهای کارگری بدست حاکمیت ارتجاعی و سپاه جمهوری اسلامی

در این سرکوبی مبارزین و معترضین، تعداد زیادی از کارگران کمونیست، پیشرو، و مبارز به زندان افتاده و شکنجه های سختی را متحمل شده و تعدادی نیز به جوخه های اعدام سپرده شدند، عده ای نیز فراری شده و مجبور به زندگی مخفی شدند، تعدادی اجباراً به خارج از کشور آمدند، اما با همه این سرکوبی ها و ضربه خوردن ها، طبقه کارگر ایران در درون کارگاه ها و کارخانه ها باقی ماند و به شیوه های تدافعی و گاهاً تعرضی با طبقه حاکم و دیکتاتوری سرمایه داری به مبارزاتش ادامه داد. و بستگی به شرایط تلاش کرده است در مقابل تعرضات رژیم از حقوق صنفی و سیاسی خود دفاع کند، کشتار سالهای ۶۰ و ۶۷ در زندان ها بیانگر مقاومت و مبارزات مردم ایران با نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی می باشد، و طبقه کارگر ایران در این مبارزات سهم به سزایی داشته است.

مراسم اول ماه مه سال ۱۳۶۸

در سال ۶۸ نیروهای سرکوب گر رژیم به "اتحادیه صنعتگر سندج" یورش برده و تعداد زیادی از رهبران این تشکل کارگری را دستگیر و به زندان می اندازند، یکی از رهبران این اتحادیه کارگر سازمان آب سندج بنام "جمال چراغ ویسی" می باشد. این کارگر مبارز پس از ۸ ماه در زیر شکنجه بلاخره به جرم سخنرانی در میتینگ اول ماه مه اعدام می گردد. اعدام این کارگر مبارز به جرم سخنرانی در اول ماه مه نشان دهنده این امر است که برخی از کارگران نه تنها برای تشکل های مستقل خود، که برای مراسم مستقل خود نیز مبارزه می کرده اند.

مبارزات کارگران نفت در سال ۱۳۷۵

در دهه هفتاد کارگران بر سر منافع صنفی و سیاسی خود به مبارزه ادامه می دهند. از جمله نمونه آن کارگران شرکت نفت تهران هستند، در مرداد ماه ۱۳۷۵ کارگران قسمتهای پالایشگاه، خطوط لوله، پخش، تأسیسات و غیره برای ساختن تشکل و بقیه خواست هایشان در جلو خانه کارگر تجمع می کنند ظاهراً مسئولین خانه کارگر با اقدام بوجود آوردن تشکل این کارگران موافقت کرده اند. کارگران از جلو خانه کارگر به طرف اداره مرکزی شرکت نفت حرکت می کنند. در آنجا وزیر شرکت نفت "آقازاده" و معاونش "علی هاشمی" و بقیه مسئولین قول مساعد می دهند، و تاریخ مشخصی را تعیین می کنند. کارگران پیش از زمان تعیین شده صبر می کنند، اما از طرف مقامات هیچ خبری نمی شود، لذا خود اقدام می کنند. یکی از خواسته هایشان به وجود آوردن تشکل بوده. کارگران به وزارت کار اطلاع می دهند که ما می خواهیم در پالایشگاه تشکل به وجود بیاوریم و تاریخی را هم مشخص می کنند که نمایندگان وزارت کار برای این منظور بیایند. نام تشکل "شورای کارگران پالایشگاه تهران" انتخاب می شود. اما مسئولین وزارت کار نمی آیند و قتیکه کارگران به نیامدن نمایندگان وزارت کار اعتراض می کنند آنها تقصیر را به گردن رؤسای پالایشگاه انداخته و میگویند رؤسای پالایشگاه ما را به محیط کار راه نمی دهند. لذا کارگران تصمیم می گیرند به خانه کارگر رفته و در آنجا انتخابات را انجام دهند. در این انتخابات ۵ نفر به عنوان نماینده انتخاب می شوند. وزارت کار هم آنها را تأیید می کند اما حراست وزارت نفت آنها را به عنوان نماینده کارگران نمی پذیرد. بعداً در یک انتخابات دیگر ۵ نفر از کارگرانی که تازه استخدام شده اند خود را بعنوان نماینده کاندید می کنند که کارگران به آنها رأی نمی دهند و اعتراض خودشان را با واژگون کردن میزها نشان داده و جلسه را به هم می زنند.

این مبارزه بر سر خواست ها تا بهمن ماه ادامه پیدا می کند، تا اینکه کارگران در روز ۲۸ بهمن ماه در جلو ساختمان شرکت نفت در خیابان طالقانی جمع می شوند این تجمع از ساعت ۷ صبح شروع می شود نیروهای انتظامی، سپاه، بسیج و نیروهای اطلاعاتی همه هستند و منطقه را محاصره کرده اند، خیابان طالقانی را بسته و مانع از تجمع کارگران می شوند با این همه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران در محل جمع می شوند. به کارگران گفته می شود که "آقازاده" وزیر نفت می خواهد در داخل ساختمان سخنرانی کند، کارگران به داخل ساختمان می روند، اما آقازاده از سخنرانی امتناع کرده و پیغام می فرستد که من این جمع را به رسمیت نمی شناسم بعد پیشنهاد می شود که کارگران به مسجد بروند، مقامات در آنجا سخنرانی خواهند کرد. کارگران متوجه می شوند که تله ای در کار است لذا به مسجد نمی روند، نیروهای انتظامی دیگر معطل نشده حمله را شروع می کنند، کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده که تعداد زیادی

زخمی می شوند و نزدیک به ۲۰۰۰ نفر را دستگیر و به زندان اوین می برند . و پس از گرفتن تعهد آنها را به مرور آزاد می کنند آزادی نمایندگان و کارگران پیشرو و فعال پس از ۲ ماه میسر می شود .

سال ۱۳۸۲ ، مراسم اول ماه مه

اول ماه مه میلادی برابر با یازده اردیبهشت ماه خورشیدی در ایران یکی از روزهای جنجالی و کشمکش بین کار و سرمایه بوده است . این روز که بزرگترین مراسم کارگران در سراسر جهان است ، در ایران تا سالها از طرف دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده بود . اما کارگران با مبارزات خود طی سالهای متمادی این مراسم را بر رژیم تحمیل کردند . بالاخره جمهوری اسلامی به ظاهر با برگزاری این مراسم موافقت کرده است . اما اختلاف و درگیری همانند تشکل های کارگری بر سر برگزاری چه گونه مراسمی است . مراسمی از طرف دولت ، وزارت کار ، خانه کارگر ، شوراهای اسلامی کار و یا سایر ارگان های رژیم ؟ یا مراسم مستقل از طرف کارگران با برنامه و سازماندهی خود کارگران ؟ . اینک رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای وابسته اش سعی می کنند این جشن را خود برگزار کنند و کارگران را به این بهانه زیر پوشش خودشان بیاورند ، اما پیش روان کارگری با هوشیاری کامل در این سال ها توانسته اند جشن مستقل خودشان را برگزار کنند .

مراسم اول ماه مه در شهر کرج در سال ۱۳۸۲

برای برگزاری جشن اول ماه مه سال ۱۳۸۲ کارگران در کرج سالی تهیه و آماده برای جشن می کنند و از ۳ نفر روشنفکران کمونیست و سوسیالیست برای سخنرانی دعوت می نمایند . یکی از سخنرانان آقای محسن حکیمی بوده که در مورد " تشکل کارگری به مثابه جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری " سخنرانی می کند . این جشن مستقل و علنی بدون هیچ مزاحمتی برگزار شده است

مراسم اول ماه مه در شهر سقز در سال ۱۳۸۳

جشن اول ماه مه در سال ۸۳ در چندین شهر برگزار می گردد . در شهر سقز کارگران فعال جنبش کارگری تصمیم می گیرند اول ماه مه را در پارک کودک شهر سقز جشن بگیرند . واز آقای محسن حکیمی برای سخنرانی دعوت می نمایند . مقامات مسئول شهر سقز نه تنها اجازه برگزاری این مراسم را نمی دهند بلکه چند ساعت قبل از برگزاری مراسم نیروهای سرکوبگر رژیم یورش برده و تعداد زیادی از کارگران و مردمی را که بطرف محل مراسم می رفته اند در خیابان دستگیر و به زندان می برند . تعدادی را همان روز آزاد و تعدادی را نگه می دارند زندانیان به این دستگیری ها اعتراض کرده و دست به اعتصاب غذا می زنند . دستگیر شدگان را ۱۲ روز در زندان نگه داشته و بعد با وثیقه هایی تا دویست میلیون تومانی (این مبلغ وثیقه معمولاً برای افراد قاتل صادر می شود) آن هارا آزاد می کنند . روز آزادی این زندانیان مردم جلو درب زندان جمع شده آنها را روی دوش خود گرفته و به خانه هایشان می برند . این حرکت در میان پیشروان جنبش کارگری و روشنفکران ، هواداران طبقه کارگر ، درون جامعه ایران و در خارج از ایران انعکاس وسیعی داشت . آنچنان پشتیبانی و حمایت گسترده ای از این مبارزین به عمل آمد که رژیم نمی توانست به آسانی این فعالین جنبش کارگری را بلا فاصله به محاکمه بکشد لذا دادگاه پس از ۱۸ ماه تشکیل می شود ، که ۲ نفر از آنان را تبرئه و ۵ نفر دیگر را به زندان و تبعید محکوم می کند . احکام محکومین در روزهای ۱۸ ، ۱۹ و ۲۱ آبان ۱۳۸۴ از طرف شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی سقز به وکلای آنها به شرح زیر ابلاغ می گردد .

- ۱ - محمود صالحی ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید .
- ۲ - جلال حسینی ۳ سال زندان .
- ۳ - محسن حکیمی ۲ سال زندان .
- ۴ - محمد عبدی پور ۲ سال زندان .
- ۵ - برهان دیوارگر ۲ سال زندان .

پس از اعلام این احکام افکار عمومی در داخل و خارج از کشور بسیج شده و این احکام را ظالمانه دانسته و خواهان تبرئه این فعالین جنبش کارگری شدند .

خود این افراد محکوم شده به مردم ایران مراجعه کرده و خواهان تشکیل یک کمیته دفاع متشکل از نمایندگان کارگران ، معلمان ، دانشجویان ، زنان ، حقوق دانان ، نویسندگان ، دانشگاهیان و گروه های دیگر اجتماعی شدند . ۴ نفر از همسران افراد محکوم شده به نامهای

- ۱ - عایشه جهان پور
- ۲ - نجیبه صالح زاده
- ۳ - لطیفه قیطاسی
- ۴ - منیژه گازرانی

اولین گام ها را در جهت تشکیل این کمیته بر داشتند دیگران نیز به آنها پیوسته و کمیته را با ۶۷ نفر عضو به وجود آوردند ، این کمیته ۹ نفر را به عنوان هیئت اجرایی و ۵ نفر را به عنوان جانشین و ۲ تا ۴ نفر را به عنوان سخنگویان این کمیته انتخاب نمود ، این کمیته برای بسیج افکار عمومی اقدام به جمع کردن امضا از مردم برای لغو احکام صادر شده نمود .

از کارخانه هایی که تشکل مستقل به وجود آورده بودند در شهر های مختلف به خصوص تهران و منطقه کردستان این احکام را محکوم و خواهان تبریته این پیشروان کارگری شدند .

در خارج از کشور سازمانهای کمونیستی ، سوسیالیستی ، مترقی ، و افراد مختلف ایرانی خواهان لغو احکام صادره شدند . سازمان های آزاد کارگری " کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری ITUC " و " فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF " سندیکا ها و اتحادیه های اروپا ، کانادا و غیره همه به حمایت از این محکومین و برای لغو این احکام اقدامات قانونی در چارچوب قوانین سازمان ملل متحد را انجام دادند .

بلاخره در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ در اثر مقاومت و پایداری این رهبران جنبش کارگری و خانواده های شان و فشار افکار عمومی ، طی نامه ای لغو احکام صادره از طرف دادگاه مربوطه به این مبارزین ابلاغ شد .

اما رژیم و دادگاههای آن نمی توانند این پیروزی جنبش کارگری را تحمل کنند ، لذا در تاریخ ۲۷ و ۲۸ خرداد همین سال یعنی یک ماه پس از لغو احکام صادره قبلی ، این رهبران جنبش کارگری در شهر سقز دوباره به دادگاه احضار شدند . دوباره محاکمه شدند . محمود صالحی که به یک سال حبس تعزیری و ۳ سال حبس تعلیقی محکوم شده در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۲۰ به شیوه غیر قانونی احضار ، دستگیر و به زندانی سنج برده می شود .

با تلاش همسر و بقیه اعضای خانواده و فعالین کارگری شهر سقز تشکلی بنام " کمیته دفاع از محمود صالحی " تشکیل شده است که تا بحال فعالیت های چشم گیری داشته است .

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

در آذر ماه سال ۱۳۸۳ در اعتراض به تشکل های وابسته به دولت تشکلی علنی و مستقل متشکل از کارگران و روشنفکران به نام " کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری " ایجاد می شود ، در تاریخ ۱۹ همین ماه اولین مجمع عمومی موسس این کمیته با شرکت ۲۸ نفر از فعالین کارگری شهرهای مختلف برگزار می گردد این کمیته اعتراض خودش را طی نامه ای که به تصویب مجمع عمومی رسیده است ، نسبت به اعزام نمایندگان سازمان جهانی کار ILO به ایران برای نظارت و تفاهم نامه ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکل های کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل انجام گرفته است اعلام می کند . این نامه خطاب به " وزارت کار و امور اجتماعی " و سازمان های کارگری در سراسر جهان و " سازمان بین المللی کار ILO " نوشته می شود . در این نامه به شرایط سخت کار، بی حقوقی کارگران ، قرارداد های موقت ، قراردادهای سفیدامضا و مشکلات دیگری اشاره می شود ، و از وزارت کار و امور اجتماعی در خواست می گردد جهت رفع موانع تشکلی یابی کارگران ایران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار اقدام نماید ، واز سازمان های کارگری در سراسر جهان می خواهد ازخواست های بر حق کارگران ایران حمایت نمایند .

بیش از چهار هزار نفر طی طوماری حمایت خود را از خواست های این کمیته اعلام می کنند .

تعدادی از کمیته های علنی و مخفی که در کارخانه های مختلف به وجود آمده بودند و تشکل ها و محافل کارگری طی اطلاعیه هایی حمایت خودشان را از این تشکل اعلام می نمایند . اما تعدادی از این تشکل ها از جمله کمیته کارگران شرکت ایران خودرو ضمن حمایت و پشتیبانی ، انتقادی را هم مطرح می کند مبنی بر اینکه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری چرا از وزارت کار درخواست

کرده اید، وزارت کار خود یکی از موانع بزرگ بر سر راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری می باشد، ما کارگران باید مستقل از دولت و ارگانهای وابسته به آن با نیروی خودمان تشکل های مستقل خودمان را به وجود بیاوریم. این انتقاد را جمعی از پیشروان کارگری که بعداً " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " را بوجود آوردند بر این ها داشتند.

بهر حال کمیته پیگیری بدون کمک وزارت کار تشکیل شد و در تاریخ ۱۹/۱۱/۸۳ دومین مجمع عمومی خود را با شرکت ۳۸ نفر بر گزار نمود. و ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب نمود یکی از نمایندگان این کمیته در مصاحبه با سایت شورا این انتقاد را پذیرفت و تاکید کرد که تشکل های مستقل باید با نیروی خود کارگران به وجود بیایند.

در ایران خودرو

تشکلی در ایران خودرو که تا بحال در رابطه با تحولاتی که در این کارخانه روی داده است برخورد فعال نسبت به دفاع از حقوق کارگران داشته است. همچنین در رابطه با تشکل های کارگری دیگر در جامعه ایران بی تفاوت نبوده بلکه به موقع برخورد سازنده داشته است. این کارگران در تیر ماه ۱۳۸۴ تشکل های وابسته به دولت مثل خانه کارگر را محکوم کرده و خواهان وحدت تشکل های مستقل کارگری بوده اند.

مبارزه زنان برای ایجاد تشکل های مستقل

زنان با مردان دوش به دوش هم، مبارزاتی را که در بالا از قبل از مشروطه تا به حال توضیح داده شد. به انجام رسانده اند. شهادت و شجاعت زنان و مردان بود که سال ۱۳۵۰ دوش به دوش هم مبارزه مسلحانه را علیه دیکتاتوری دربارپهلوی آغاز و تا سال ۱۳۵۷، سرنگونی رژیم شاه ادامه دادند. و در تمام این مراحل همانند مردان دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شده اند. علاوه بر این جنبش زنان برای تبعیضات مرد سالانه در جامعه سرمایه داری و تشکل ها و نهاد های مدنی خاص خودشان همیشه به اشکال مختلف مبارزه کرده اند. در همین یکی دو سال گذشته شاهد تجمع ها و تظاهرات در نقاط مختلف تهران بوده ایم، از جمله تجمع در پارک دانشجو و تجمع و تظاهرات در میدان ۷ تیر تهران که منجر به دستگیری و زندان تعدادی از زنان و دانشجویان مرد که برای هم بستگی با آنها در این تظاهرات شرکت کرده بودند شد.

مبارزه زنان برای حجاب اجباری اسلامی از همان روزاول به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی هم چنان ادامه داشته و دارد. رژیم در این چند ماه گذشته ضمن عقب نشینی در زمینه استفاده از لباس های رنگی که از قبل خانم ها آنرا بر رژیم تحمیل کرده بودند. سرکوب و بگپرو به بند را خیلی تشدید کرده است.

زنان و مردان کارگر هم اینک در درون کارخانه ها باهم استثمار می شوند. و برای احقاق حقوق خود نیز باهم مبارزه می کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای احیای سندیکای مستقل از سال ۱۳۸۲ تلاش بیشتری انجام می دهند. مسئولین شرکت واحد هم برای ممانعت از این فعالیت کارگران شروع به سنگ اندازی می نمایند، فشار را بر کارگران زیاد می کنند، کارگرانی را به تبعید می فرستند و یا امتیازات شغلی را قطع می کنند. و حتی دست به اخراج بر خی از کارگران می زنند. اما هیئت موسس با پشتیبانی کارگران مصمم دنبال کار را گرفته و افراد آگاه آموزش های لازم را به کارگران داده و پیش کسوتان تجارب خود را در اختیار کارگران دیگر گذاشته و روز بروز ایده بوجود آوردن سندیکا را در میان کارگران دامن زده و تبلیغ و ترویج می نمایند. این پروسه با همه مخالفت ها و موانع تقریباً ۲ سال طول می کشد، تا شرایط در میان کارگران شرکت واحد برای برگزاری مجمع عمومی آماده می شود.

هیئت مؤسس در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۸۴ مجمع عمومی را در ساختمان سندیکای خبازان تشکیل می دهد، اما محل سندیکا بوسیله نیروهای امنیتی محاصره می شود، از طرف دیگر رهبران شورا های اسلامی کار و خانه کارگر وابسته به رژیم، امثال حسن صادقی، پرویز احمدی پنجکی، اکبر عیوضی، سید جلال سعید منش، ذبیح الله چگینی و با آگاهی علی رضا محجوبی دبیر کل خانه کارگر با حدود ۳۰۰ نفر از کارگران متوهم به خودشان جلو چشم نیروهای مسلح به این ساختمان حمله می کنند. رهبران سندیکا که در دفتر این ساختمان نشسته

اند متوجه می شوند که به ساختمان حمله شده است ، لذا در آن فرصت کوتاه باهم مشورت می کنند که حالا چه باید بکنند ، یکی از آن تصمیم ها این است که بین هم قرار می گذارند هر موقع مهاجمین وارد اطاق شدند از سر جایشان بلند نشوند . چرا که خود این بلند شدن را مهاجمین ممکن است حمله به خود تلقی کنند ، بعداً بگویند ما برای مذاکره وارد اطاق شدیم ولی آنها همه از جایشان بلند شده و به ما حمله کردند . این تاکتیک به نظرم بسیار سنجیده و آگاهانه و دقیق اتخاذ شده است . بالآخره مهاجمین وارد اطاق شده و به افراد نشسته حمله را آغاز می کنند و ۸ نفر از رهبران سندیکا را مورد ضرب و شتم قرار می دهند ، زبان آقای منصور اسالو را با چاقو بریده ، گردن و بقیه جاهای بدنش را زخمی می نمایند . که در بیمارستان بستری ، زبان و گردنش چندین بخیه می خورد ، شیشه های ساختمان را شکسته و اموال سندیکا را مثل تلفون ، کتابها و غیره را از پنجره به بیرون پرتاب و عکس خامنه ای را از دیوار کنده و پاره می کنند ، پول ، لوازم شخصی و موتور سیکلت را به سرقت می برند . در نتیجه هیئت مؤسس در آن روز نمی تواند جلسه اش را تشکیل دهد .

بدنبال این واقعه چند هزار نفر از کارگران شرکت واحد در روز ۸۴/۲/۲۳ در میدان حسن آباد تهران جمع شده و اعتراض خود را نسبت به حمله مهاجمین به محل سندیکا اعلام می نمایند ، هیئت مؤسس برای بار دوم تاریخ ۸۴/۳/۱۳ را برای تشکیل مجمع عمومی در همان محل قبلی اعلام می نماید . به محض اعلام این موضوع ، مهاجمین ساختمان سندیکارا با کوکتل مولوتف به آتش می کشند . و کارگران شرکت واحد به همراه هیئت مؤسس شان برای ایجاد سندیکا بدون هیچ گونه عقب نشینی به مبارزه ادامه می دهند . و در این مبارزه به تجربه آموختند که باید برای مقابله با افراد مهاجم ، شورای های اسلامی کار ، خانه کارگری ها ، از نیروی کارگران برای حفاظت از مجمع عمومی کمک بگیرند ، لذا در تاریخ ۸۴/۳/۱۳ با نیروی چند هزار نفره دوباره مجمع عمومی را در همان محل تعمیر شده ساختمان سندیکای خبازان تشکیل دادند ، هرچند این بار هم زیر فشار ، تهدید ، ارعاب ، جلوگیری ، بازداشت ، ضرب و شتم کارگران و توقف چند ساعته رأی گیری روپرو شدند ، اما با استقامت و پایداری کارگران بالآخره انتخابات انجام گرفت و نتایج به شرح زیر اعلام شد .

۱۹ نفر اعضای اصلی هیئت مدیره و ۹ نفر اعضای علی البدل مجموعاً ۲۸ نفر و آقایان منصور اسالو بعنوان رئیس هیئت مدیره و ابراهیم مددی بعنوان نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب شدند .

مجموعاً ۵ بازرس ۳ بازرس اصلی و ۲ نفر علی البدل انتخاب شدند .

پس از تشکیل سندیکا ، تشکلهای کارگری از داخل و خارج از کشور به آنها تبریک گفتند ، از جمله مرکز جهانی حقوق اتحادیه ای ICTUR از ژنو .

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سرانجام با مبارزات پیگیر خود توانستند سندیکای خودشان را به وجود بیاورند . این سندیکا عملاً وجود دارد ، اما دولت آنرا به رسمیت نمی شناسد . مقامات مسئول دولتی با اعضاء هیئت مدیره نه به عنوان نماینده سندیکا بلکه به عنوان کارگر شرکت واحد وارد مذاکره می شوند .

سندیکا تا به حالا چندین تجمع و اعتصاب در اشکال مختلف برگزار نموده است ، دستگیری های محدود و گسترده ، زندانی کردن کوتاه مدت و دراز مدت نیز داشته است ، منصور اسالو رئیس هیئت مدیره و ۱۱ نفر دیگر از اعضاء هیئت مدیره در تاریخ اول دیماه ۱۳۸۴ دستگیر شدند ، در اعتصاب ۸ بهمن ۸۴ که با شرکت و حمایت دانشجویان و اقشار مختلف مردم بر گزار شد حدود ۱۳۰۰ نفر دستگیر شدند که به مرور با دادن وثیقه و یا تعهد آزاد شدند رئیس هیئت مدیره آقای منصور اسالو پس از ۷ ماه با وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شد . اسالو در روز شنبه ۵ اسفند ۱۳۸۵ در جلسه غیر علنی شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب به ۵ سال زندان محکوم شد که در اوایل سال ۱۳۸۶ این حکم به ایشان ابلاغ شد . از طرف دیگر اسالو به کنگره " فدراسیون جهانی حمل و نقل ITF " دعوت شد . لذا ایشان به عنوان نماینده سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه روز ۲۲ خرداد ۱۳۸۶ به لندن رفته . علاوه بر شرکت و سخنرانی در کنگره مذکور در اجلاس سالیانه سازمان بین المللی کار ILO و دیگر جلسات اتحادیه کارگری کشورهای اروپایی شرکت و در باره مشکلات عمومی کارگران ایران از جمله مشکلات کارگران شرکت واحد سخنرانی نمود . اسالو به ایران بازگشت ، طولی نکشید که در روز ۳ شنبه ۱۹ تیرماه ساعت ۱۹ در راه بازگشت به خانه اش ربهوده شد و پس از ۲ روز با پیگیری خانواده و کیل و هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد معلوم شد در زندان اوین بسر می برد . مبارزه برای آزادی منصور اسالو و بازگشت به کار ۵۰ نفر کارگران اخراجی شرکت واحد و خواست های دیگر هم چنان ادامه دارد .

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۴ نفر از فعالین جنبش کارگری ایران آقایان :

۱ - محسن حکیمی مترجم .

- ۲ - بهروز خباز فلز کار .
 ۳ - بهرام دزکی جوشکار .
 ۴ - محمود صالحی خباز .

برای کمک به ایجاد تشکل های مستقل کارگری در ایران طی اطلاعیه ای از فعالان کارگری ، اتحادیه ها ، سندیکا ها و طرفداران طبقه کارگر یاری و حمایت می طلبند ، بیش از سه هزار نفر طی طومار اینترنتی حمایت خود را از این فراخوان اعلام می نمایند ، در نتیجه این افراد تشکلی به نام " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری " به وجود می آورند

این کمیته طی بیانیه ای اهداف خود را در ۴ بند توضیح داده از جمله اینکه تشکل ها در هر شکل شورایی ، سندیکایی و غیره باید علنی و ضد سرمایه داری باشند تا بتوانند برای از بین بردن مصائب جامعه سرمایه داری از مدار پذیرش سرمایه داری فراتر بروند . این کمیته اساسنامه ای با یک مقدمه ، هشت فصل ، بیست و هفت ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۲۵ در جلسه عمومی فوق العاده به تصویب می رساند ، و اساسنامه قبلی خود را ملغی اعلام می نماید .

کمیته هماهنگی در مبارزات طبقاتی کارگران با سرمایه داران فعالیت های چشم گیری داشته است از جمله مصاحبه آقای بهروز خباز با کارگران معدن " باب نیزو " و تهیه گزارشی از این معدن که در اثر بی توجهی کارفرما در ایجاد یک انفجار که ۹ کارگر جان خود را از دست می دهند ، و مصاحبه ها ، گزارشات دیگر از محیط های کارگری و هم چنین فعالیت در برگزاری اول ماه مه و.....

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری

در بهمن ماه ۱۳۸۵ اطلاعیه ای دال بر یک اتحاد عمل داوطلبانه تشکل ها و فعالین کارگری پخش شد . از آنجا که نزدیکی ، همگرایی ، همکاری ، وحدت و اتحاد عمل اهمیت اساسی و نیاز مبرم جنبش کارگری ایران می باشد . عین اطلاعیه را در اینجا می آورم .

اطلاعیه اعلام موجودیت "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری"

در راستای پاسخگویی به یکی از اساسی ترین و مبرم ترین نیاز های جنبش کارگری ، در رابطه با امر وحدت طبقه کارگر ، و به سهم خویش ، کمک به ایجاد و ارتباط و هماهنگی بیشتر میان بخشها و سطوح مختلف جنبش کارگری و تحرکات و اعتراضات جاری کارگری ، و همچنین برقراری ارتباطی نزدیکتر و در عین حال گسترده تر میان فعالین و پیشروان جنبش اجتماعی طبقه ی کارگر ، در جای جای کشور پهناور ایران و.... تشکل ها و فعالین کارگری و دانشجویی امضاء کننده ی این اطلاعیه ، پس از طی چند نشست مقدماتی و تشریک مساعی لازم در این زمینه ، که شرح مختصر آن به اطلاع جنبش کارگری رسیده است ، در نهایت تصمیم گرفتند تا در جلسه مورخه ی ۱۳۸۵/۱۱/۲۷ ، در محیطی صمیمی ، " شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" را باهدف اتحاد عمل داوطلبانه و آزاد ، حول مسایل و مطالبات ملموس ، موردی و مشخص کارگری تشکیل داده ، بر این اساس به فعالیت و همکاری بپردازند .

لازم به یاد آوری است که " شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری " ضمن اعلام موجودیت و آغاز به همکاری و فعالیت ، همچنان از سایر تشکل ها و فعالین کارگری و نمایندگان واقعی و دلسوز آنان می خواهد ، تا با پیوستن به این " شورا " و حمایت از این قیبل همکاری ها و اتحاد عمل ها ، جنبش کارگری را در ایجاد ارتباط و هماهنگی بیشتر ، جهت مقابله با مشکلات و معضلات پیش رو ، و کسب حقوق و مطالبات برحق و انسانی خویش ، یاری دهند .

باشد ، که اینگونه همکاری ها و تشریک مساعی ها خود زمینه و بستری باشند ، برای از میان برداشتن و زدودن تفرقه و پراکندگی موجود در جنبش کارگری ، و برقراری اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان کارگران ، برای به کرسی نشاندن خواستها و مطالبات کارگری ، و احقاق حقوق کامل آنان ، تا رهایی از منجلاب و فلاکت موجود .

" کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری "

" کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری "

" اتحاد کمیته های کارگری "

" انجمن فرهنگی ، حمایتی کارگران "

" جمعی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه های ایران "

Shorayehamkari@gmail.com

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

این اتحادیه در روز ۲۴ فروردین ماه ۱۳۸۶ اولین مجمع عمومی خود را با شرکت ۱۴۹ نفر از نمایندگان کارگران اخراجی ، تعلیقی و موقت مراکز مختلف ایران در شهر سنج برگزار نمود . مجمع با سخنرانی شیث امانی دبیر هیئت موسس کار خود را آغاز کرد . پس از تصویب اساس نامه تاکید بر دفاع از کارگران مبارز ایران به ویژه محمود صالحی شده است . از بدو تاسیس فعالیت های زیادی در درون کارگران بخصوص غرب کشور داشته است . در رابطه با این فعالیت ها شیث امانی رئیس اتحادیه و صدیق کریمی عضو هیئت رئیسه این تشکل دستگیر ، زندانی و محاکمه شده و هر کدام به ۲/۵ سال زندان محکوم شده اند . این حکم در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲۴ به آنها ابلاغ شده است .

ویژگیهای تشکل های کارگری

این بود مختصری از ایجاد تشکل های مستقل کارگری در ایران . و حالا به برخی از ویژگیهای تشکل های کارگری در ایران اشاراتی میکنم

تشکل مستقل

آنچه که تا امروز در عمل در جامعه ایران پیشرفته است همه دال بر این بوده است که تشکل ها مستقل از دولت ، مستقل از ارگان های وابسته به دولت ، مستقل از احزاب و سازمانهای وابسته به دولت و مستقل از تشکل های حزبی در اپوزیسیون به وجود بیاید ، اگر این تشکل ها مثل سندیکای کارگران شرکت واحد یا مسئولین و مقامات دولتی در طماس بوده اند و یا آنها را به جلسات هفتگی و ماهانه خود دعوت کرده اند و یا آنها خود به بهانه حفاظت در جلسات سندیکا شرکت کرده اند همه در جهت ایجاد تشکل مستقل بوده است .

احزاب و سازمانهای کمونیستی ، سوسیالیستی ، مترقی و دمکرات هم امروز در جامعه ایران حضور علنی ندارند ، لذا صحبت از اینکه آیا تشکل های مستقل کارگری از این احزاب و سازمانها مستقل هستند یا نه در حد نظر می ماند .

از طرف دیگر در هر جامعه ای که احزاب و سازمانها چه وابسته به دولت و چه مستقل از دولت چه به صورت علنی و چه بصورت مخفی فعالیت می کنند ، تلاش می کنند هرچه بیشتر نیرو جذب کرده و توازن طبقاتی را به نفع خودشان به وجود بیاورند هر حزبی که نیروی بیشتر داشته باشد در جهت اهدافش موفق تر خواهد بود ، در نتیجه تمام احزاب و سازمانها تلاش می کنند در مبارزاتشان به تشکل های کارگری نزدیک شده و با آنها روابط حسنه ای داشته و در صورت امکان آنها را هم سو با اهداف خود نماید . با این توضیح روشن می شود که عدم دخالت سازمانها و احزاب در تشکل های کارگری منتفی است همه تلاش می کنند از این نیروی عظیم متشکل در جهت اهدافشان بهره به برند .

تنها راه نجات طبقه کارگر از اینکه مورد بهره برداری و سؤ استفاده قرار نگیرد این است که خود به یک تشکلی قوی ، منسجم ، متکی بخود ، با اعتماد به نفس ، با دید گاه کاملاً طبقاتی و ضد سرمایه داری تبدیل شده و در تمام مسائل صنفی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی وغیره کشور دخالت مستقیم و ارتباط تنگاتنگ داشته باشد . یعنی در آن حد رشد کرده باشد که بتواند احزاب و سازمانهای دیگر را تحت تأثیر خود قرار داده و در جهت از بین بردن مصائب جامعه سرمایه داری آنها را همراه باخود نماید . در این راه طبیعی خواهد بود که احزاب ، سازمانها ، گروه ها و افراد صادق کمونیست بیدریغ به چنین تشکل کارگری ای کمک خواهند نمود ، در خاتمه باید به گویم با توجه به تفرقه ای که امروز در جنبش کمونیستی ایران وجود دارد . چنین تشکل کارگری ای می تواند امر وحدت جنبش کمونیستی ایران را تسهیل نماید .

تشکل علنی و مخفی

تشکل های کارگری در ابتدای به وجود آمدن در یک واحد کارگری از آنجا که عمدتاً برای احقاق حقوق صنفی کارگران به وجود می آیند و این حقوق باید از کارفرما گرفته شود طبیعی ترین و بهترین شکل آن برای کارگران این است که علنی باشد. تا بتواند به صورت جمعی و یا انتخاب یک یا چند نماینده با کارفرما وارد مذاکره شود. اما در شرایط فعلی جامعه ایران در برخی از واحدهای کارگری معرفی نماینده این خطر را دارد که نماینده معرفی شده، یا اخراج و یا دستگیر و زندانی شود. این امر بستگی به آگاهی و تشخیص کارگران آن واحد دارد، اگر کارگران بتوانند یکپارچگی و وحدت خودشان را در مبارزه با کارفرما و نیروهای سرکوب گر رژیم حفظ کرده و از نماینده خود دفاع نموده و مانع از اخراج و یا دستگیری آن شوند، می توانند نماینده معرفی کنند در غیر این صورت باید دسته جمعی به مذاکره پردازند. در هر صورت تشکل علنی نسبت به تشکل مخفی برای کارگران در اولویت قرار دارد، همان طور که امروز در جامعه ایران شاهد هستیم بخش بزرگی از مبارزات کارگران به خصوص کارگرانی که مراسم اول ماه مه را سازماندهی می کنند و یا سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بخاطر تثبیت تشکل های مستقل، علنی و تحمیل آن به کارفرما و رژیم اسلامی صورت می پذیرد.

در واحدهائی که کارگران به دلایل مختلف نتوانسته اند به آن درجه از انسجام و وحدت برسند که تشکل علنی به وجود بیاورند لاجرم کارگران آگاه و مبارز به کمیته های مخفی روی می آورند. و خواسته ها و مسائل و مشکلاتشان را بوسیله شب نامه که در بین کارگران پخش می شود به گوش کارفرما می رسانند. در چنین وضعی بیشتر انرژی کارگران مبارز صرف مخفی کاری می شود که دستگیر نشوند. و چنانچه دستگیر شوند مثل شرایط علنی از حمایت کارگران و سایر نیروهای اجتماعی کمتر برخوردار می شوند.

تشکل های مخفی فعالیت کارگران را محدود کرده و مانند تشکل های علنی نمی توانند بطور گسترده و همه گیر عمل کنند. بخشی از فعالیت های تشکل مخفی باید برای اطلاع مردم علنی صورت گیرد. هم چنان که در فعالیت های علنی ضرورت پیدا می کند که بطور تاکتیکی و کوتاه مدت از فعالیت مخفی استفاده شود. یک نقل قول از رفیق امیر پرویز پویان در رابطه با مبارزات سال ۵۰ نقل می کنند که گفته است " مبارزین باید فعالیتشان آنقدر روشن و واضح و سراسری باشد تا مردم مبارزین را در کنار خودشان حس کرده و آنها را از خودشان بدانند. و در رابطه با پلیس مبارزین آنقدر باید مخفی کاری را رعایت کنند که به هیچ عنوان دردست رس پلیس قرار نگیرند".

نقل به معنی.

به یک نمونه از فعالیت مخفی در مبارزات علنی توجه کنید.

در اعتصاب ۸ بهمن سال ۱۳۸۴ که بیش از هزار نفر از کارگران سندیکای شرکت شرکت واحد به همراه هیئت مدیره سندیکا دستگیر و به زندان افتادند. آقای میرزایی یکی از افراد هیئت مدیره دستگیر نشده بود. پلیس در پی دستگیری ایشان بود. علاوه بر تعقیب، برای ایشان احضاریه ای فرستاد دال بر اینکه هرچه زود تر خودش را به مقامات امنیتی معرفی نماید. اما از آنجا که ضرورت مبارزات سندیکا در آن زمان ایجاب می کرد و نقش افراد هیئت مدیره در چنین زمان حساسی نقش تعیین کننده پیدا کرده بود، ایشان برای مدتی بشکل مخفی به مبارزه ادامه دادند و پس از مدتی تاریخی را برای معرفی خودشان اعلام کردند، و در تاریخ تعیین شده خودشان را به مقامات امنیتی معرفی کردند.

تنها ما نیستیم که تعیین کنیم مبارزه علنی باشد یا مخفی یا کی علنی باشد کی مخفی بلکه باید توازن طبقاتی را در نظر گرفت. فرهنگ کلیت جامعه را محاسبه کرد. وضعیت رژیم و نیروهای سرکوب گرش را ارزیابی نمود و وضعیت اپوزیسیون و متحدین نزدیک و دور را شناخت و..... و از همه اشکال مبارزه در زمانهای مناسب با هشیاری کامل استفاده کرد.

تا آن جا که تا بحال تجربه نشان داده است کارگران در هر شرایطی در درون کارخانه باید تشکل های مستقل توده ای خود را علنی ایجاد نمایند. چنانچه شرایط برای ایجاد تشکل علنی امکانش نباشد. باید ایجاد تشکل علنی را در کنار خواسته های دیگر قرار داد و برای بوجود آوردن آن مبارزه کرد.

۲ شهریور ۱۳۸۶ برابر با ۲۴ آگوست ۲۰۰۷